



شهروندان شاهدند خودروی پرایدی که از محل حادثه فرار کرد، خلاف آمد و جا خالی داد و ناگهان به خاطر حرکت اشتباه او، ماشین من با این دو چرخه تصادف کرد.»



بالاخره تردد بکنیم یا نه؟

سرانجام مأموران اورژانس ۱۱۵ از راه می‌رسند. مردم صحنه را خلوت می‌کنند تا امدادگران در فضای آرام‌تری به مصدوم حادثه رسیدگی کنند. ماهم محل حاضر را که نزدیک به بزرگراه است، ترک می‌کنیم و کمی جلوتر می‌رویم تا به ابتدای خیابان آزادی ۹۵ برسیم؛ همان جایی که به گفته اهالی، کاسی مغازه دارها هم از رونق افتاده است.

حسین چناری، جوانی که در همین محله بزرگ شده است، برای صحبت پیش قدم می‌شود: «از وقتی این پل نعل اسبی را ساختند، مردم اینجا بیچاره شدند. راه مردم را به صورت نصف و نیمه بستند تا خودرویی از خیابان آزادی ۹۵ وارد بزرگراه نشود یا از بزرگراه راحت به این خیابان تردد نکند! بالاخره مردم باید تردد بکنند یا نه؟ در واقع شهرداری می‌خواست کل مسیر را مسدود کند اما اصرار کردیم و نگذاشتیم. آن‌ها هم کمی جلوتر از خیابان آزادی ۹۵ را باز نگذاشتند.»



کاروکاسی مغازه دارها کساد شده است

محمود نجارباشی یکی دیگر از اهالی حاضر در صحنه است که می‌گوید: «قرار بود پایه پل یعنی ابتدای ورود و خروج به پل، در مقابل کارخانه پیسی باشد، اما انگار زور این کارخانه در دسرساز خیلی بیشتر از مردم است؛ به همین خاطر این پایه، در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری خیابان آزادی ۹۵ قرار گرفت و ورودی این خیابان را بستند. مردم مظلوم حاشیه شهر همیشه پاسوز می‌شوند.»

او از وضعیت نامناسب کاسبان هم حرف می‌زند: «در این خیابان، مغازه‌ای نانوايي تعطیل شد و کاروکاسی خیلی از مغازه دارها هم کساد شده». براتعلی قربانی این گفتگورا ادامه می‌دهد: «سال ۹۱ رقم ۵۰۰ میلیون تومان برای تجاری کردن واحدهایم به شهرداری پرداخت کردم. با بستن کامل این خیابان که شهرداری قصد آن را دارد، ملک‌های تجاری و مسکونی در نقطه کور قرار می‌گیرد و از قیمت می‌افتد. چه کسی این خسارت وارد شده را جبران می‌کند؟»

محله امام‌هادی (ع) شروع شد؛ مشکلاتی که در ساعات ۷ صبح و شب به اوج خود می‌رسد و طاقت اهالی و به خصوص کسبه را (که تعدادی از آن‌ها حتی مجبور به تعطیلی کاروکاسی خود شده‌اند)، طاق کرده است.

روزی که به دنبال شنیدن حرف‌های مردم، سری به خیابان آزادی ۹۵ زدیم، نه تنها شاهد این ترافیک بودیم، بلکه تصادفی نیز در همان زمان برای پسری نوجوان روی داد که طبق شواهد، امکان وقوع آن بارها و بارها وجود دارد.



شاهد تصادفات بی دری هستیم

پیش از اینکه سر صحبت را با اهالی محل باز کنیم، برای درک بهتر و بی طرفانه از شرایط، دقایقی تردد خودروها را تماشا می‌کنیم. ظاهراً راننده پراید ۱۱۱ سفید رنگ، با این محدوده آشنایی ندارد و وقتی بی خبر از همه جا، از داخل خیابان سعادت به ابتدای خیابان آزادی ۹۵ می‌رسد و راه را بسته می‌بیند، چند لحظه توقف می‌کند تا راهی برای ورود به بزرگراه آزادی پیدا کند. او ناگزیر به سمت بولوار شهید خادم الشریعه می‌رود تا گریزگاه و راهی فرعی برای رفتن به سمت جاده اصلی بیابد.

هنوز چند قدمی به سمت جمعیت که حدوداً شامل ۳۰ نفر از اهالی می‌شود، برنداشته‌ایم که ناگهان صدای مهیب ترمز خودرو ما را در جای خود می‌خکوب می‌کند. پسری نوجوان با لباس مخصوص سورمه‌ای رنگ کارش، نقش بر زمین شده و برگه‌های کوچک تبلیغاتی، در اطرافش روی زمین پخش و پلا شده است. شاهدانی که صحنه تصادف را دیده‌اند، می‌گویند علیرضا (نوجوان پانزده ساله‌ای که برای پخش تراکت می‌رفته) با دو چرخه به سمت سمنند بر خورد کرده و سرش به شیشه خودرو اصابت کرده است.

یکی از اهالی در آن گیرودار تصادف صدایش در می‌آید: «ذله شده‌ایم. همه‌اش تصادف... آسایش نداریم.»

دیگری هم که به اورژانس زنگ زده، شرایط فعلی علیرضا را به شنونده آن سوی خط توضیح می‌دهد.

علیرضا ساعی، راننده سمنند، می‌گوید: «من مسیر خود را می‌رفتم. از وقتی خیابان آزادی ۹۵ را بسته‌اند، مدام تصادف می‌شود.

سرگردانی رانندگان در خیابان آزادی ۹۵ پس از احداث دوربرگردان پلیس راه قاسم‌آباد

نقطه کور یک پروژه

شادی شریفی - «امیدوار بودیم با افتتاح پل دوربرگردان پلیس راه قاسم‌آباد، مشکلات ترافیکی این محدوده از بین برود، ولی متأسفانه با بستن خیابان آزادی ۹۵، ترافیک شدیدی در خروجی جنب کارخانه پیسی ایجاد شده است. مشکل توقف مسافرها در کنارگذر روبه‌روی پلیس راه نیز همچنان پابرجاست.»

«صبح‌ها بین ساعت ۷ تا ۸ سری به کوچه کارخانه پیسی بزنید تا ببینید ترافیک چه به حال و روز مردم آورده. پروژه احداث دوربرگردان‌های شاهد، مشکلات جدیدی برای ما به وجود آورده.»

این دو نمونه از ده‌ها پیام مردمی است که به صورت تلفنی یا پیامکی برای روزنامه شهر آرا ارسال می‌شود و همه مضمونی این چنینی دارند. این در حالی است که اواسط تیرماه سال جاری رسانه‌ها نوشتند: «دوربرگردان‌های غیرهم‌سطح شاهد-آزادی مشهد با هدف کاهش بار ترافیکی مسیر ورودی در غرب مشهد، با اعتبار ۳۵۰ میلیارد ریالی و پس از عملیات عمرانی ۱۰ ماهه به بهره‌برداری رسید.»

گرچه تأثیر احداث این دوربرگردان‌ها در تسهیل عبور و مرور ورودی شهر بر کسی پوشیده نیست، وجود کارخانه پیسی در محله امام‌هادی (ع)، گره کوری است که سال‌هاست مشکلات بی‌شماری را برای اهالی ایجاد کرده است.

در واقع پس از احداث پل L شکل یا به تعبیر اهالی محله امام‌هادی (ع)، «نعل اسبی»، سر راه پلیس راه قاسم‌آباد و تقاطع شاهد، ابتدای خیابان آزادی ۹۵ بسته و مشکلات اهالی

خبر



دیدار اهالی محله امام‌هادی (ع) با مادر شهید احمد حبیبی

اهالی محله امام‌هادی (ع) به دنبال دیدارهای خود با خانواده شهید، به منزل مادر شهید احمد حبیبی رفتند. در این مراسم، اعضای شورای اجتماعی محله امام‌هادی (ع)، نمایندگانی از پایگاه‌های بسیج مسجد امام‌هادی (ع) و تعدادی از نمازگزاران مساجد پنجتن (ع)، صاحب‌الزمان (عج)، حضرت محمد (ص)، امام‌هادی (ع) و اعضای مجموعه فرهنگی «یاوران ولایت» حضور داشتند.



شهید محله

سرزدن به پدر و مادر، جزو برنامه روزانه‌اش بود

جلال گلگار در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۴۳ در مشهد دیده به جهان گشود. پدرش، محمود، او را به گونه‌ای تربیت کرد که از دوست‌داران امام و انقلاب شد. شهید به دلیل روی آوردن به حرفه جوشکاری، تحصیل را رها کرد و مشغول به کار شد. هم‌زمان که به پیشه جوشکاری مشغول بود، در بیشتر فعالیت‌های مسجد شرکت می‌کرد.

شهید گلگار از آنجاکه از نظر مالی به کسی وابسته نبود، خانواده‌هایی را که در فشار اقتصادی بودند، شناسایی می‌کرد و تا حد امکان احتیاجات آنان را مرتفع می‌ساخت. خواهرش، پری، می‌گوید: «اگر بگویم از نظر اخلاقی و عاطفی با بقیه خانواده‌مان فرق داشت، اغراق نکرده‌ام. از محل کارش که می‌آمد، قبل از رفتن به منزل خودش، اول به خانه ما می‌آمد و جویای حال پدر و مادرمان می‌شد و بعد از آن به خانه خودش می‌رفت. این جزو برنامه روزانه‌اش بود.»

همین روحیات کافی بود که با آغاز جنگ نابرابر ایران و عراق، به جبهه‌های نبرد کشیده شود. مدت ۱۴ ماه به عنوان یک رزمند در یگان حفاظت خدمت کرد و سرانجام در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۷ در منطقه فکه به شهادت رسید. پیکر مطهرش در گلزار شهدای خواجه ربیع به خاک سپرده شد.

برگرفته از کتاب شهدای شهر کز مندگان

قرار بود پایه پل یعنی ابتدای ورود و خروج به پل، در مقابل کارخانه پیسی باشد، اما انگار زور این کارخانه در دسرساز خیلی بیشتر از مردم است؛ به همین خاطر این پایه، در فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متری خیابان آزادی ۹۵ قرار گرفت و ورودی این خیابان را بستند.